

تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود وضعیت زندگی در نواحی روستایی مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان تایباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

جواد میکائیکی^۱

الهه داودیان^۲

مفید شاطری^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای توسعه روستایی، مسکن روستایی است که در سال‌های اخیر سیاست‌های بهسازی و نوسازی مسکن برای بهبود وضعیت مسکن روستایی اجرا شده است. در تحقیق حاضر، به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی روستاییان در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون دوجمله‌ای) صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر، خانوارهای روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند که شامل ۵۰۷۶ خانوار می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، ۱۸۰ خانوار محاسبه گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در شاخص‌های بعد اجتماعی داشته است. به عبارتی طبق آمار به دست آمده از میانگین نظرات افراد، در بعد اجتماعی گویه‌های دسترسی آسان به مراکز خرید در

javadmikaniki@birjand.ac.ir

۱. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

elnazdavoodian@birjand.ac.ir

mshateri@birjand.ac.ir

۳. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

روستا، دسترسی بهتر به مراکز آموزشی، دسترسی بهتر به حمل و نقل عمومی راحت‌تر و دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، کمترین میزان رضایت را توسط ساکنان داشته‌اند. از این‌رو، می‌توان گفت با ارائه نقشه و طرح‌های مناسب با موقعیت روستاها از طریق بخش‌داری و مکان‌یابی مناسب مساکن جدید در نزدیکی مراکز آموزشی، درمانی و بهداشتی، دسترسی ساکنان را به این مراکز آسان‌تر نمود و رضایت آنان را جلب کرد. **واژگان کلیدی:** مسکن روستایی، تسهیلات، بهسازی مسکن، نواحی روستایی، تایباد

مقدمه

انسان به مقتضای نیازهای گوناگونش، در تلاش برای رفع هر کدام از این نیازهاست. در اولویت‌بخشی به نیازهای اساسی انسان، تأمین مواد غذایی در درجه نخست و در مرحله بعد، داشتن مسکن و استقرار در آن به‌عنوان یک سرپناه بسیار حائز اهمیت است. مسکن از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده بافت روستایی است که متأثر از عوامل طبیعی و انسانی بوده، بنابراین هرگونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی به طرق مختلف در مسکن تجلی می‌یابد. از مهم‌ترین برنامه‌های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مسکن در کشورهای در حال توسعه، می‌توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. بعد از انقلاب اسلامی، به‌دلیل نامناسب بودن وضعیت مساکن در نواحی روستایی، برنامه‌ریزی جهت بهبود این مساکن در روستاهای کشورمان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها تبدیل و در طی برنامه‌های توسعه، دولت اعتبارات بهسازی مساکن را در سطح وسیعی در اختیار روستاییان قرار داده است. در طی سال‌های اخیر، رویکرد اعتبارات بهسازی مسکن در سطح گسترده و برای دستیابی به این اصل قانونی در نواحی روستایی کشورمان اجرا شده است. هدف این طرح، ارتقاء و بهبود کیفیت مساکن روستایی است. تسهیلات مسکن روستایی که تحت عنوان تسهیلات بهسازی مسکن روستایی در اختیار روستاییان قرار می‌گیرد، محدودیت‌ها و الزماتی به لحاظ زیربنا، نوع مصالح و نقشه این مساکن اعمال می‌کند که این مساکن را از مساکن سنتی روستایی متمایز ساخته است. اما به نظر می‌رسد برای تأمین مسکن مناسب روستایی در کنار

توجه به تحولات اجتماعی- اقتصادی در سال‌های اخیر، باید به امکاناتی که فناوری جدید در اختیار انسان گذاشته توجه داشت. مسکن روستایی فراتر از سرپناه فیزیکی، نقش تولیدی دارد، به همین دلیل ضوابط آن در رابطه با کارکردهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت اساسی می‌یابد و برنامه‌ریزی توسعه مسکن روستایی از روند توسعه روستایی و حتی از توسعه جامع منطقه‌ای قابل تفکیک نیست. از این‌رو، در پژوهش حاضر به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود وضعیت زندگی روستاییان و در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. مسکن به‌عنوان پناهگاه و محل اقامت انسانی، از مهم‌ترین نیازها و احتیاجات انسان‌ها است، به‌طوری که می‌توان گفت از اصلی‌ترین عنصرهای تشکیل دهنده‌ی زندگی فرد می‌باشد. بشر همیشه در طول تاریخ و قبل از آن برای داشتن سرپناهی بهتر و ایمن‌تر، روش‌های گوناگونی را انجام داده و سعی بر آن داشته است که همیشه مسکن خود را به‌گونه‌ای طراحی کند که با محیط طبیعی وی سازگار باشد.

مسکن به‌عنوان یک پدیده‌ی انسان‌ساخت باید دارای ویژگی‌هایی باشد که رضایت استفاده‌کنندگان را جلب کند. بنابراین خصوصیات مثل شکل مطلوب، استحکام، امنیت، ایمنی، تأمین تجهیزات و زیرساخت‌های مورد نیاز مسکن در کیفیت مطلوب مسکن، تأثیرگذار می‌باشد. مسکن هم‌اکنون عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی فضاست که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). بخش مسکن را می‌توان یکی از مهمترین بخش‌های توسعه در یک جامعه دانست که در این میان، مسکن روستایی تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و در نهایت، نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی- اقتصادی تأثیرگذار در شکل‌بخشی به آنهاست (سعیدی، ۱۳۷۳: ۵۱۱). روستاها با توجه به ماهیت خود و هم‌چنین متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای ساماندهی درونی و کالبدی خاصی در نوع سکونت هستند. مسکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای

شکل‌های مختلفی است. این مسکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معیشت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستاییان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت، استانداردهای مربوط به مسکن در آن رعایت نشده است. از این‌رو، توجه جدی به کیفیت و کمیت ساختمان‌ها و یا به عبارتی مسکن روستایی، در برنامه‌های توسعه روستایی لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد، از شاخص‌های توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (لطفی، احمدی و حسن‌زاده فرجود، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

بیان مسأله

امروزه از جمله مشکلات اساسی خانه‌های روستایی ایران، پایین بودن کیفیت آنها از نظر مصالح به‌کار رفته و ساخت مسکن است که این کیفیت پایین، آسیب‌پذیری شدید مسکن روستایی را در برابر بلایای طبیعی، مثل سیل و زلزله و رانش خاک و لغزش زمین موجب شده است. مسکن به‌عنوان پناهگاه و اقامتگاه انسانی، زائیده مهم‌ترین احتیاجات انسان‌هاست و امروز نبود مسکن با کیفیت در نواحی روستایی، مشکلات عدیده از جمله مهاجرت و تخلیه روستاها را به همراه دارد. با کیفیت نبودن مسکن روستایی علاوه بر مهاجرت روستاییان، افزایش نابرابری‌های اجتماعی را به‌دنبال داشته، سلامت روان افراد ساکن در این مسکن را دچار اختلال و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌ها و تغذیه ضعیف را به‌دنبال دارد و باعث ایجاد مشکلات اقتصادی و محیطی هم در نواحی روستایی می‌شود که نیاز است برای کاهش این مهاجرت‌ها، امکانات رفاهی و زیربنایی در روستاها فراهم گردد. هم‌چنین مسکن نامناسب روستاییان را در برابر بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله از یک سو و رانش خاک و لغزش زمین از سوی دیگر، در معرض خطر قرار می‌دهد. با خالی شدن روستاها و مهاجرت روستاییان به شهر، دولت درصدد حل این مشکلات برآمده که در این راستا، بازسازی منازل مسکونی روستایی در دستور کار قرار گرفته است. اهمیت این امر باعث

شده که مسؤولین امر کشوری، سعی در برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه داشته باشند، چه بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه تأمین مسکن بوده که به روند توسعه‌ی کشورها، کمک شایانی کرده است. البته تاکنون برنامه‌ریزی در این زمینه بیشتر معطوف به شهرها بوده است و آنچه در باب مسکن روستایی نگاشته شده، بیشتر کیفیت مسکن و نوع معماری را مورد ارزیابی قرار داده است. در واقع، با توجه به افزایش روزافزون مهاجرت‌های روستاییان به شهرها و افزایش معضلات شهرنشینی و مدیریت شهری، لازم است به توسعه روستایی توجه ویژه معطوف گردد.

در طی سال‌های اخیر، رویکرد اعطای اعتبارات بهسازی مسکن در سطح گسترده و برای دستیابی به این اصل قانونی در نواحی روستایی کشورمان اجرا شده است. هدف این طرح، ارتقاء و بهبود کیفیت مسکن‌های روستایی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). در برنامه ششم توسعه، تهیه طرح‌های هادی و بهسازی مسکن و طرح‌های توسعه و بازنگری آن برای همه‌ی روستاها و آبادی‌های بالای بیست خانوار و مناطق عشایری در اولویت قرار گرفته و با شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی، جهت اجرای طرح‌های بهسازی و ایمن‌سازی مساکن روستایی، به‌نوعی برنامه‌ریزی شده که تا پایان اجرای قانون حداقل ۳۰ درصد مساکن با مقاومت پایین ایمن‌سازی شوند (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶: ۳۶). با توجه به این که روستاها در گذشته منشأ تولید و اشتغال بوده‌اند، باید برنامه‌ریزان به سمتی حرکت کنند تا علاوه بر ایجاد بستر مناسب با اقداماتی از جمله تسریع در بهسازی روستاها، زمینه اشتغال و ماندگاری آنان را نیز فراهم کنند و در این صورت است که معضل حاشیه‌نشینی شهرها و معضلات اجتماعی ناشی از آن کاهش می‌یابد.

روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، بارها شاهد بارش باران‌های شدید و وزش بادهای سهمگین بوده که موجب سقوط درختان و تیر برق، آبرگفتگی معابر روستایی و تخریب چند آب‌بند و سردهنه کشاورزی و مهم‌ترین از همه، آبرگفتگی تعدادی از خانه‌های روستایی شده است. در این بین نیاز به بازسازی خانه‌ها و یا به‌عبارتی ساخت خانه‌هایی با مقاومت بالا در برابر این بلایا ضروری است. از جمله ابعاد مثبت احتمالی

تسهیلات بهسازی مسکن در منطقه مورد مطالعه، می‌توان به استحکام و مقاومت در برابر حوادث طبیعی، بهبود شاخص‌های بهداشتی و ایجاد درآمد و اشتغال برای روستاییان، به‌خصوص اقشار بدون زمین و کارگران روستا اشاره کرد. هم‌چنین از اشتغال ایجاد شده برای افراد در روستا، از مهاجرت‌های فصلی این افراد به شهرهای بزرگ و اشتغال به کار در آنجا، جلوگیری شده است. طبق آمار گرفته شده از بنیاد مسکن شهرستان تایباد، روستاهای بخش مرکزی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند. این پژوهش نیز تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن را بر بهبود زندگی روستاییان مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین اعتباراتی مورد پژوهش قرار گرفتند که حداقل پنج سال از اعطای آنها به روستاییان و استفاده از وام جهت بهسازی مسکن گذشته باشد. از ۲۱ روستای بخش مرکزی، روستاهای قومی، محمدآباد قدس، کشکک، میرآقا بیک و ایله به‌علت این‌که در فاصله زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتباراتی دریافت نکرده‌اند از دایره پژوهش حذف گردیده و ۱۶ روستای دیگر مد نظر می‌باشند که جمعاً تسهیلات ارائه شده در این فاصله زمانی، ۳۹۱ اعتبار بهسازی مسکن بوده است. با توجه به اعتبارات اعطاء شده به تعداد زیادی از روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، حال سنجش اثرات این طرح‌ها در قالب سؤالی مطرح می‌شود و آن این است که اجرای طرح مقاوم‌سازی مساکن چه تأثیری بر وضعیت مسکن روستاییان و بهبود وضعیت زندگی خانوارهای روستایی داشته است؟

پیشینه

مطالعات زیادی تاکنون در زمینه مسکن روستایی و اعتبارات صورت گرفته است و حتی‌المقدور سعی شده است از نتایج این تحقیقات در تحقیق حاضر استفاده شود. در این قسمت ابتدا به بررسی تحقیقات و مطالعات سایر کشورها و سپس منابع و تحقیقات داخلی پرداخته شده است.

هازرمایر (Huchzermeyer, 2001) در مطالعه خود درباره سیاست‌های مسکن در آفریقای جنوبی به این نتیجه رسید که سیاست‌های مسکن توسط دولت، نیازهای

فقیرترین قشر جامعه را نادیده گرفته است. تأکید اصلی وی بر شناخت همه‌جانبه ابعاد مسکن در میان گروه‌های مختلف جامعه و تأثیرات منفی نگرستن تک‌بعدی و داشتن یک سیاست خاص در قبال مناطق مختلف در آفریقای جنوبی است. ویسنت و جوسپه (Vicent & Joscpheh, 2001) نقش سیاست‌گذاری‌های مسکن، دسترسی به زمین، زیرساخت‌های مسکن، مقررات ساخت، مصالح ساختمانی و صنایع مرتبط با مسکن را در کشور نیجریه بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش نقش بخش خصوصی می‌تواند به کاهش مسکن منجر شود.

محمدی یگانه و دیگران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی روستاییان دهستان معجزات شهرستان زنجان در چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی پرداختند. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در بعد اقتصادی و شاخص‌های آن داشته است.

قاسمی و رستمعلی زاده (۱۳۹۱)، در پژوهشی در روستای آقبراز استان آذربایجان شرقی، به بررسی تغییر و تحولاتی که در نتیجه اجرای طرح ویژه بهسازی مساکن روستایی و استفاده از تسهیلات مسکن روستایی در شیوه زندگی و معیشت روستاییان به‌وجود می‌آید پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وام مسکن روستایی دارای نقاط قوت و ضعف بوده و تأثیرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شیوه زندگی و معیشت روستاییان داشته است.

عینالی، چراغی و رومیانی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان "ارزیابی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی"، به بررسی نقش اعتبارات مسکن ارائه شده در مناطق روستایی در کاهش آسیب‌پذیری آن در برابر زلزله با بهبود شرایط فیزیکی مساکن پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان دهنده تفاوت کاملاً معنادار در دوره قبل و بعد از استفاده از اعتبارات مسکن در مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار در کاهش آسیب‌پذیری مسکن است که میانگین رتبه‌ای فریدمن و ضریب کای‌دو نیز این تفاوت را به نفع دوره بعد و بهبود شاخص‌ها

نشان می‌دهد. بسحاق، تقدیسی و آقامرایبی (۱۳۹۳)، پژوهشی با هدف تحلیل و ارزیابی شاخص‌های پایداری مسکن روستایی در دهستان سیلاخور شرقی شهرستان ازنا انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۴۰٪ از شاخص‌های بررسی شده در شرایط ناپایدار قرار دارند که جا دارد در راستای بهره‌مندی از مسکن سالم و پایدار، برنامه‌ریزی‌هایی در راستای ارتقای شاخص‌های ناپایدار که اغلب نیز در بعد اقتصادی قرار گرفته‌اند، صورت گیرد.

مبانی نظری

توسعه روستایی

توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستاییان می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۳: ۸۴).

توسعه پایدار

تعریف توسعه پایدار بسیار مشکل است و تعاریف بسیاری که در متون مختلف وجود دارد هر یک بر جنبه‌ای از توسعه پایدار، تأکید بیشتری دارند (صادقی و قنبری، ۱۳۸۸: ۳۱). «توسعه پایدار بر آن است تا از طریق توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری محیطی، جامعه انسانی را به سوی دنیایی خوب، زیست‌پذیر و دوام‌یافتنی رهنمون سازد» (پورطاهری، سجاسی قیداری و صادق‌لو، ۱۳۸۹: ۴). در این معنا، هسته مرکزی مفهوم پایداری بر حفظ و نگه‌داشت ذخایر سرمایه‌ای استوار است. در حقیقت توسعه پایدار چیزی جز حفظ ذخایر سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی نیست (همان: ۴).

توسعه اقتصادی

در تعریف توسعه اقتصادی جاناتان لمکو^۱ چنین بیان می‌دارد: توسعه اقتصادی اصطلاحی است عام که در مورد شماری از مطالب گوناگون به کار می‌رود. این مطالب گسترش دامنه‌ی کاربرد سرمایه را در برمی‌گیرد. توسعه اقتصادی مستلزم تحولات ساختاری است به گونه‌ای که تولید کالا و خدمات به صورت انبوه افزایش یابد (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۲).

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می‌باشد. براین میناست که گفته می‌شود منظور از توسعه اجتماعی، اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه‌ی خاص، همراه با توسعه مدرن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های پیوسته و مکمل یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به وجه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند. پس توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر الگوهای دست‌وپاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد (ازکیا، ۱۳۸۳: ۷).

مسکن

مسکن اسم مکان است به معنای محل آرامش و سکونت و در اصطلاح، مکانی را می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت‌نامه دهخدا، مسکن چنین تعریف شده است: منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام. کلمه "مسکن" یا "خانه" یا آنچه رساننده مفهوم محل سکونت خانواده است، در همه جوامع مفهومی متعالی

و مقدس دارد. انسان‌ها در بیرون از خانه درگیر نبردی طولانی و دائمی برای زندگی کردن هستند. از طرفی، انسان‌ها تنها وقتی که در خانه و در میان عزیزان خود هستند، احساس آرامش می‌نمایند. به عبارت دیگر، مسکن گذشته از حفظ و حراست انسان از گرما و سرما، کارکردهای متنوع دیگری دارد و نه تنها مکانی برای فراغت انسان، بلکه می‌تواند در تکامل او اثر بگذارد و یا باعث ایجاد تنش‌های روانی، نابهنجاری‌ها و روی آوردن به دنیای جرم و جنایت شود (آخوندی، ۱۳۹۳: ۲۰). مسکن در مجموعه بافت روستا به‌عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چندکارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت، به‌عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشأت گرفته است. با تکیه بر نظریه کارکردگرایی، وحدت اجزای مسکن اهمیت یافته و دوام و بقا اجزاء مسکن به فایده و سودمندی آنها مربوط می‌باشد. طبق نظریه کارکردگرایی، در مطالعه مسکن پیوستگی و کلیت اجزاء و عناصر اصلی آن مهم است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

مسکن پایدار

مسکن و به‌خصوص مسکن پایدار از عوامل مهم در توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز دربرمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری برای بهتر زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع، تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط را شامل می‌گردد (مخبر، ۱۳۶۳: ۱۷). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی به‌عنوان کالایی اقتصادی و پردوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (Bourne, 1981: 14) و افزون بر این‌ها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به‌عنوان نمایش مقام وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد نیز هست (Cater & Trevor, 1989: 38). مسکن در عین حال، عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط

اجتماعی و اهداف جمعی افراد، نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). بنابراین مسکن دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی و فیزیکی، اقتصادی، مالی، روانشناختی و پزشکی است (Cullingworth, 1997: 166).

مسکن پایدار روستایی

مسکن پایدار روستایی به مفهوم مسکنی است که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان‌پذیر و مستحکم و سازگار با محیط زیست می‌باشد (Charles, 2007: 3). مسکن پایدار نقش با اهمیتی در ثبات خانواده، رشد اقتصادی و اجتماعی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و در کل نظام نیز تأثیر می‌گذارد (آسایش، ۱۳۷۴: ۶۵).

طرح بهسازی مسکن

با توجه به وجود فقر مسکن در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه، امروزه بهسازی و نوسازی این مساکن جهت دسترسی روستاییان به بهداشت و رفاه بهتر، به یکی از مهم‌ترین سیاست‌های بهبود وضعیت روستاییان تبدیل شده است (Plagerson, Harpham & Mathee, 2010: 14). از مهم‌ترین برنامه‌های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مساکن در کشورهای در حال توسعه، می‌توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. در طی دهه‌های اخیر، موفقیت نهادهای مالی در کشورهای در حال توسعه در راستای ارائه اعتبارات خرد به فقرا جهت توانمندسازی باعث شده است تا اندیشمندان از این موفقیت‌ها با عنوان انقلاب خرد یاد کنند (Sengupta & Aubuchon, 2008: 120). یکی از اهداف کلی اعتبارات بهبود وضعیت مسکن در ایران و از جمله اعتباراتی که با سرمایه‌گذاری بخش دولتی به روستاییان داده می‌شود، اعتبارات بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است. توجه به مقوله‌ی بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونی روستایی از سال ۱۳۸۴ در

برنامه چهارم توسعه و در ادامه طرح بهسازی مسکن روستایی که از سال ۱۳۷۴ به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به منظور ارتقای سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش روستاییان آغاز شد، به طور گسترده و با حمایت دولت، نگرشی جدیدتر و وسیع تر مورد توجه قرار گرفته است (پرتال بنیاد مسکن، ۱۳۹۶).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت فیزیکی-کالبدی روستایی شده است.
- ۲- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی شده است.
- ۳- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی شده است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، روش تحقیق به صورت پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه و نوع پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در تحقیق حاضر به منظور ارزیابی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در وضعیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از گویه‌های عینی و ذهنی، سطوح رضایت خانوارهای دریافت کننده اعتبارات بعد از بهسازی مسکن و در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری، خانوارهای روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد می‌باشند که بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند که شامل ۵۰۷۶ خانوار می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه‌ها ۱۸۰ خانوار محاسبه گردید. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه می‌باشد که اساساً از سؤالات بسته و با پاسخ‌هایی در طیف پنج قسمتی لیکرت تشکیل شده است. در جدول ۱ شاخص‌های بکار رفته در تحقیق (در

سه بعد اجتماعی و اقتصادی و کالبدی) آمده است.

جدول ۱) شاخص‌های به‌کار رفته در تحقیق

ابعاد	شاخص‌ها
اجتماعی	امنیت احشام و لوازم خانگی، احساس امنیت اعضای خانوار، احساس عدالت اجتماعی و برابری میان روستا و شهر، افزایش انگیزه ماندگاری، امید به آینده، احساس تعلق به اجتماع، کاهش مهاجرت‌های روستایی، بهبود فضاهای مورد نیاز اعضای خانوار، رضایت از موقعیت اجتماعی، دسترسی آسان به مراکز خرید در روستا، دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، دسترسی بهتر به وسایل حمل و نقل عمومی، میزان همکاری مردم در ساخت و ساز مسکن، دسترسی به مراکز آموزشی، رضایت از مراکز بیرونی مسکن جدید، رضایت از طرح و نقشه مسکن خود، برخورداری از واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت، افزایش اعتماد به نفس در مسکن دارای سند مالکیت، احساس آسایش و آرامش روانی، احساس امنیت در برابر سوانح طبیعی
اقتصادی	کاهش هزینه‌های زندگی، افزایش قیمت مسکن، کاهش احساس فقر، امید به آینده شغلی، ایجاد انگیزه جهت بهبود وضعیت کار، ایجاد انگیزه جهت پیشرفت شغلی، دسترسی به خدمات اعتباری و مالی، گرایش مردم به ساخت مسکن جدید، کاهش ساخت‌وساز در زمین‌های کشاورزی، ماندگاری جمعیت باعث رونق در همه بخش‌های اقتصاد از جمله کشاورزی شده است، دسترسی به فناوری اطلاعات، برخورداری مسکن جدید از تلفن ثابت، برخورداری مسکن جدید از امکانات برق، برخورداری مسکن جدید از امکانات لوله‌کشی آب، برخورداری مسکن جدید از امکانات گاز، برخورداری مسکن جدید از تاسیسات بهداشتی
کالبدی	استفاده از شکل معماری استاندارد، رضایت از موقعیت قرارگیری بنا، رضایت از فرایند نوسازی مسکن، رعایت استحکام دیوارها در ساخت مسکن، افزایش میزان دوام اسکلت واحدهای مسکونی، میزان برخورداری مسکن از امکانات ضد زلزله، بهبود نمای ظاهری در خانه‌های جدید نسبت به خانه‌های قدیمی، افزایش استفاده از الگوی معماری بومی، کاربرد مصالح بومی بادوام در واحدهای مسکونی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در مسکن، میزان نظارت بر ساخت‌وساز مسکن، تهیه مناسب هوا در واحدهای مسکونی، مطابقت معماری مسکن جدید با تولید خانوار روستایی مانند دامپروری، میزان تأثیر ساخت مسکن جدید در صرفه‌جویی انرژی، سازگاری خانه‌های جدید با شرایط اقلیمی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در سقف واحدهای مسکونی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در کف واحدهای مسکونی، بهبود نورگیری روشنایی خانه، رضایت از مساحت واحد مسکونی

منبع: (جمعه‌پور و رشوندی، ۱۳۹۰: ۵۵؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۶)

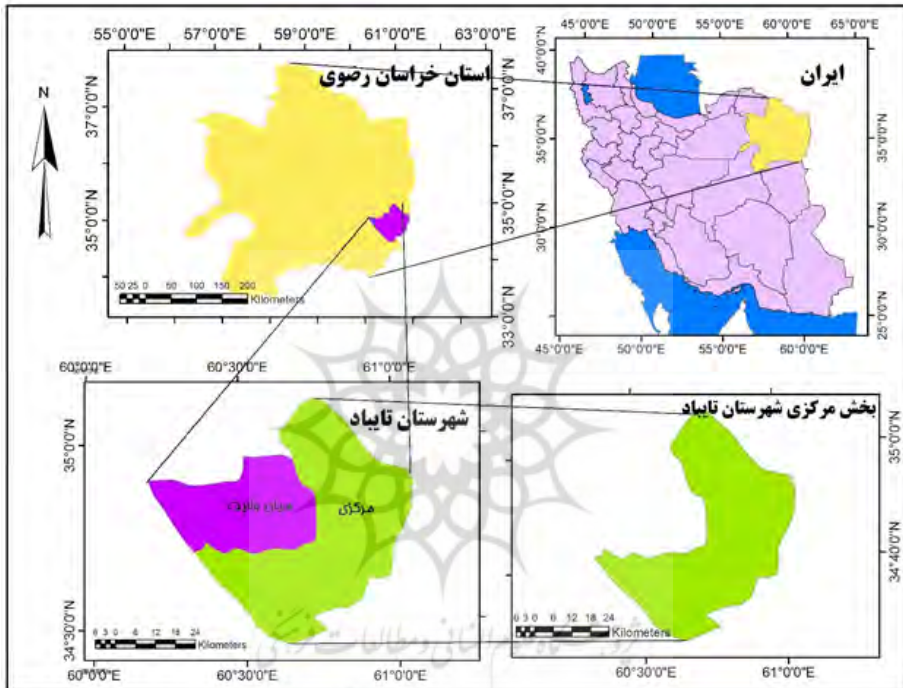
منطقه مورد مطالعه

تایباد با وسعت ۲۹۲۹/۰۷ کیلومتر مربع در فاصله ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد قرار گرفته و بزرگترین نقطه شهری این شهرستان بوده و دارای طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۴۷ دقیقه و ۳۷/۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه و ۱۶/۸۳ ثانیه شمالی می‌باشد. شکل ۱ موقعیت استان خراسان رضوی در کشور،

شهرستان تایباد در استان و نیز بخش مرکزی را در شهرستان نشان می دهد. ارتفاع آن از سطح دریا ۸۱۰ متر می باشد. این شهرستان بر سر راه هرات، اسلامقلعه و تربت جام واقع می باشد و با کشور افغانستان ۷۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. این شهرستان دارای دو بخش، سه شهر و چهار دهستان با جمعیت ۱۱۷۵۶۴ نفر می باشد که ۶۶٪ جمعیت در شهر و ۳۴٪ جمعیت در روستاها ساکن می باشند. از نظر طبیعی، بخش شمالی و جنوبی آن کوهستانی بوده و شامل ارتفاعاتی از جمله ایله است. در جنوب و غرب آن نیز دشت های فرزانه، محمدآباد، سرداب، کاریزچه، پل بند و دشت بی حاصل دوغارون و ... قرار دارد. تایباد اقلیمی معتدل مایل به گرم دارد و از نظر بارندگی در زمره مناطق خشک به شمار می آید و بادهای معروف صدویست روزه سیستان نقش مهمی در خشکی هوا دارد. از مهم ترین رودهای فصلی این شهرستان می توان "روس" در شمال و رود مرزی "هریرود" در شمال شرقی آن اشاره نمود. بخش مرکزی شهرستان تایباد در موقعیت جغرافیایی ۶۷ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۶۷ درجه و ۹۷ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. بخش مرکزی دارای دو دهستان به نام های کرات و پایین ولایت است و دارای ۲۱ روستا به نام های رهنه، اسدآباد، کرات، فرمان آباد، آبقه، حاجی آباد، ارزنچه سفلی، محسن آباد، قلعه نو آبقه، پشته، ارزنچه علیا، دوغارون، فرزانه، سرداب، کوه آباد، فیض آباد، قومی، محمدآباد قدس، کشکک، میرآقا بیک و ایله می باشد. بخش مرکزی شهرستان تایباد دارای جمعیتی معادل ۲۴۲۴۹ نفر جمعیت است که از این تعداد، ۱۲۶۲۰ نفر زن و ۱۱۶۳۸ نفر مرد می باشد. جدول ۲ جمعیت دهستان های بخش مرکزی (کرات و پایین ولایت) را به تفکیک زن و مرد نشان می دهد.

جدول ۲) جمعیت دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تایباد طبق سرشماری ۱۳۹۵

نام دهستان	جمعیت	مرد	زن
کرات	۱۸۰۵۲	۸۶۶۴	۹۳۸۸
پایین‌ولایت	۶۱۹۷	۲۹۷۴	۳۲۲۲



شکل ۱) موقعیت استان خراسان رضوی در کشور، شهرستان تایباد در استان و بخش مرکزی در

شهرستان تایباد

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد ۶۸/۹٪ پاسخگویان مرد و ۳۱/۱٪ آنها زن می‌باشند. از بین ۱۸۰ نمونه ۷/۲٪ افراد فاقد سواد، ۷/۱٪ افراد دارای سواد ابتدایی، ۲۶/۲٪ آنها دارای مدرک راهنمایی، ۲۶/۷٪ آنها دارای مدرک دیپلم و ۳۶/۱٪ هم بالاتر از دیپلم تحصیلات داشته‌اند. سن افراد مورد مطالعه طبق نتایج تحقیق، ۴۸/۳٪ بین

۲۰ تا ۴۰ سال، ۴۴/۴٪ در بازه ۴۱ تا ۶۰ سال و سن ۷/۲٪ افراد مورد بررسی در بازه سنی ۶۱ تا ۸۰ سال می‌باشد. هم‌چنین میانگین و انحراف معیار سن افراد مورد مطالعه به ترتیب برابر ۴۳/۰۶ و ۱۰/۰۵ سال می‌باشد. از نظر اشتغال ۱۵/۶٪ سرپرستان خانوار کارمند، ۲۰/۶٪ کارگر، ۳۳/۹٪ کشاورز، ۱۸/۳٪ دامدار و ۱۱/۷٪ از افراد در سایر مشاغل فعالیت دارند. وضعیت تأهل آنان نشان می‌دهد ۱۰٪ افراد مجرد و ۹۰٪ آنها متأهل می‌باشند.

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آن‌ها درباره اینکه اجرای طرح بهسازی مسکن بیشترین تأثیر را بر کدام بخش داشته است نشان می‌دهد که از نظر ۱۶/۱٪ افراد بیشترین تأثیر اجرای طرح بهسازی مسکن بر بخش صنعت، ۲۲/۸٪ در بخش اجتماعی - فرهنگی، ۳۵٪ در بخش کشاورزی و ۱۶/۷٪ در بخش تجارت بوده است و از نظر ۹/۴٪ افراد بیشترین تأثیر اجرای طرح بهسازی مسکن در بخش خدمات می‌باشد. در جدول ۳ توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آنان درباره بخش متأثر از اجرای طرح بهسازی مسکن آمده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آنان درباره بخش متأثر از اجرای طرح بهسازی مسکن

درصد	فراوانی	
۱۶/۱	۲۹	صنعت
۲۲/۸	۴۱	اجتماعی - فرهنگی
۳۵	۶۳	کشاورزی
۱۶/۷	۳۰	تجارت
۹/۴	۱۷	خدمات
۱۰۰	۱۸۰	جمع

طبق نتایج به‌دست آمده شناخت افراد از طرح بهسازی مسکن روستایی، ۸۳/۳٪ افراد شناخت زیاد و ۱۶/۷٪ افراد، شناخت متوسط از طرح بهسازی مسکن دارند.

در جدول ۴ توزیع فراوانی دیدگاه افراد پیرامون میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به همراه میانگین و انحراف معیار و ضریب تغییرات نظرات بیان شده است. لازم به ذکر است

که هر چه ضریب تغییرات یک متغیر کمتر باشد، نتیجه می‌گیریم که تغییرات نظر افراد در مورد این متغیر کمتر است و یا به عبارت دیگر، باید گفت افراد در مورد پاسخ سؤال مربوطه هم نظر هستند. با توجه به جدول ۴ بعد اجتماعی با میانگین ۲/۸۶ و ضریب تغییرات ۰/۱۵ و بعد کالبدی با میانگین ۳/۷۶ و ضریب تغییرات ۰/۱۱ به ترتیب کمترین و بیشترین میزان رضایت خانوارهای استفاده کننده از اعتبارات بهسازی مسکن را به دست آورده‌اند. این بدین معنی می‌باشد که گویه‌های بعد کالبدی از جمله استحکام مسکن، سطح زیر بنا و ... با توجه به نیاز روستاییان و متناسب با محیط روستا و نیز مقاوم در برابر سوانح، بیشترین رضایت را از سوی خانوارهای بخش داشته‌اند که بر این امر تأکید می‌کند که خانوارهای این بخش، قبل از دریافت و پیاده‌سازی اعتبارات و نوسازی و بهسازی خانه‌های خود، از مشکلاتی مهم چون کم‌دوام بودن مسکن رنج می‌بردند.

جدول ۴) توزیع فراوانی دیدگاه افراد پیرامون میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی

خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی

نتیجه بر اساس میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	هیچ		
متوسط	۰/۱۵	۰/۴۴	۲/۸۶	۰	۷	۱۴۱	۳۲	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی
				۰	۳/۹	۷۸/۳	۱۷/۸	۰	درصد	
متوسط	۰/۱۳	۰/۴۳	۳/۲۴	۰	۴۴	۱۳۶	۰	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی
				۰	۲۴/۴	۷۵/۶	۰	۰	درصد	
زیاد	۰/۱۱	۰/۴۲	۳/۷۶	۰	۱۳۸	۴۲	۰	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی
				۰	۷۶/۷	۲۳/۳	۰	۰	درصد	

آمار استنباطی

فرضیه اول: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت فیزیکی-کالبدی روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۵ و مقادیر *Sig* نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی زیاد می‌باشد. علت تأثیر زیاد اعتبارات بهسازی مسکن روستایی در بعد کالبدی از نظر پاسخ‌دهندگان، بیشتر به دلیل مصالح عمدتاً کم‌دوام خانه‌های روستایی می‌باشد که پیامد آن نیز کاستی‌هایی مانند آسیب‌پذیری در برابر سوانح طبیعی و ضعف سازه‌ای این‌گونه مسکن‌ها می‌باشد. این اعتبارات باعث بهبود وضعیت خانه‌های روستایی از نظر کالبدی شده است.

جدول ۵) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۰	۰	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی
			۱/۰۰	۱۸۰	گروه دوم	

فرضیه دوم: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۶ و مقادیر *Sig* نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی زیاد

می‌باشد. در واقع، می‌توان گفت ایجاد فرصت اشتغال در روستا، بویژه برای افراد بی‌زمین و کارگران روستایی، ازجمله دلیل رضایت خانوارهای روستایی از اعتبارات بهسازی مسکن در بعد اقتصادی می‌باشد. از آن‌جا که کارهای ساختمانی به‌گونه‌ای است که خانواده‌ها معمولاً دارای مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال در فعالیت‌های ساختمانی می‌باشند، فعالیت‌های ساختمانی در محل طرح فرصت‌های لازم را برای اشتغال و کسب درآمد خانوارهای منتفع‌شونده فراهم می‌سازد. ساکنان روستا در کارهای ساخت مسکن از خودیاری و همیاری استفاده می‌کنند و این امر به‌گونه‌ای است که افراد بیکار، خانوارها را به کار وامی‌دارد که حد افزایشی بر اشتغال و درآمد خانوار محسوب می‌شود. از طرفی نیز ضعف بنیان‌های مالی و درآمد اندک خانوارها، خود دلیلی بر رضایت بالا از استفاده اعتبارات، برای بهسازی و نوسازی خانه‌های روستایی شده است.

جدول ۶) نتایج آزمون دو جمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه اقتصادی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۰	۰	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی
			۱/۰۰	۱۸۰	گروه دوم	

فرضیه سوم: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، از آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۷ و مقادیر Sig نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی زیاد می‌باشد. با توجه به داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، عواملی که در رضایت داشتن خانوارها از بعد اجتماعی مؤثر می‌باشند، می‌توان به احساس امنیت در این مسکن‌ها

در برابر سوانح، سرمایه‌گذاری زیاد در این مسکن‌ها - که به افراد روستا اجازه نمی‌دهد به راحتی آن را ترک کنند - و همچنین به احساس آسایش و آرامش روانی از زندگی در این مسکن‌ها، اشاره کرد.

جدول ۷) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۱۸	۳۲	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی
			۰/۸۲	۱۴۸	گروه دوم	

نتیجه

امروزه مسکن به‌عنوان یک پدیده اثرگذار بر فرایند توسعه کالبدی روستاها، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این پدیده از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و معیشت روستا، تأثیرات شگرفی را بر حیات روستاها برجای می‌گذارد. بدون تردید هرگونه تغییر و دگرگونی در جهان، دیر یا زود به جامعه ما وارد می‌شود که یکی از آنها تغییر در معماری مسکن می‌باشد که این معماری، می‌بایست با فرهنگ جامعه ما تلفیق گردد. به‌علت این‌که ساختارها در هر جامعه‌ای کارکرد متفاوتی را به‌وجود می‌آورد، باید تغییر در ساختار مسکن مرتبط با کارکرد اقتصادی خانوار صورت گیرد. مسکن در نواحی روستایی به‌دلیل ایفای کارکردی مختلف، نقش بی‌بدیلی در زندگی مردمان آن ایفا کرده و هرگونه تغییری در آن، در تمامی ابعاد زندگی روستاییان تأثیرگذار است. از دیدگاه اندیشمندان، سکونتگاه مناسب باید شرایطی داشته باشد که انسان بتواند به‌واسطه آن، به سعادت و کمال وجودی خود دست یابد، به‌گونه‌ای که این اندیشمندان زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را با هم مترادف می‌دانند. اما در وضعیتی به‌دلیل این‌که شاخص و معیارهای ساخت مسکن روستایی بدون توجه به آداب و رسوم و فرهنگی که در مناطق روستایی وجود دارد پیاده می‌شوند، این امکان

قوت می‌یابد که تحولات ناخواسته و ناخوشایند اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- فیزیکی و حتی اقتصادی در محیط‌های روستایی رخ دهد. این در حالی است که بیشترین مسکن روستایی کشورمان از کیفیت مناسبی برخوردار نبوده و به همین علت دولت در طی دهه اخیر، اعتبارات بهسازی مسکن را در سطح وسیعی در اختیار روستاییان قرار داده تا با بهبود وضعیت این مسکن، افزایش کیفیت زندگی در نواحی روستایی محقق شود. برای بررسی تأثیرگذاری اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود وضعیت زندگی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، از جامعه آماری روستاهای دریافت کننده تسهیلات بهسازی مسکن استفاده شده و مطابق اظهار نظر پاسخگویان، جمع‌بندی نهایی صورت گرفته است. از این‌رو، در این تحقیق به بررسی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی در بهبود وضعیت زندگی روستاییان در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق، از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده است که سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و تأثیر اعتبارات مسکن بر سه بخش اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به ترتیب ۲/۸۶، ۳/۲۴ و ۳/۷۶ می‌باشد. در بررسی تأثیر شاخص‌های اعتبارات بر متغیر الگوی مسکن روستایی، بیشترین ضریب تأثیر متعلق به شاخص بهبود بعد کالبدی مسکن خانوارهای روستایی به میزان ۳/۷۶ و بهبود وضعیت اقتصادی با ضریب تأثیر ۳/۲۴ در رده دوم قرار گرفته است. استفاده از اعتبارات مسکن روستایی در بین نمونه‌های مورد بررسی، نشان دهنده توجه مالکین مسکن به استفاده از مصالح بادوام و به‌کارگیری اصول و ضوابط فنی و ... توانسته است با افزایش استحکام و مقاومت مسکن، زمینه را برای احساس امنیت و آسایش خانواده‌ها فراهم سازد و آمادگی آنها را برای رویارویی با سوانح آتی افزایش دهد. با توجه به میانگین هر بعد، مؤلفه‌های اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط و مؤلفه‌های اقتصادی و کالبدی در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند، یعنی این‌که در ساخت‌وسازهای جدید به دلیل وجود رضایت از شکل معماری استاندارد، دوام اسکلت واحدهای مسکونی، رضایت از فرایند نوسازی مسکن، استحکام دیوارها در ساخت و رضایت از موقعیت قرارگیری بنا طبق ضریب تغییرات، در اولویت‌های اول قرار دارند که این رضایت‌مندی جامعه نمونه را می‌رساند. در بعد اقتصادی هم که در سطح

متوسط قرار دارد مؤلفه‌هایی چون کاهش هزینه‌های زندگی، برخورداری بهتر مسکن جدید از امکانات برق، ایجاد انگیزه جهت بهبود وضعیت کار، دسترسی بهتر به خدمات اعتباری و مالی، برخورداری مسکن جدید از تلفن و ... طبق ضریب تغییرات، در اولین اولویت‌ها قرار دارد که این نشان دهنده تأثیر خوب بعد اقتصادی مسکن روستایی است. در بعد اجتماعی نیز گویه‌هایی مانند امنیت بیشتر احشام و لوازم خانگی، امنیت اعضای خانوار، احساس عدالت اجتماعی بیشتر و برابری میان شهر و روستا، افزایش انگیزه ماندگاری برای فرزندان، کاهش مهاجرت‌های روستایی، بهبود فضاهای مورد نیاز خانوار و برخورداری واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت، بالاتر از حد متوسط قرار داشتند که نظر مثبت جامعه نمونه را جذب کردند. اما گویه‌های دیگر مانند دسترسی آسان به مراکز خرید در روستا، دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، دسترسی به حمل و نقل عمومی راحت‌تر و دسترسی بهتر به مراکز آموزشی، کمتر از حد متوسط بوده‌اند که اعتبارات بهسازی مسکن در این بعد، نقش چندانی نداشته است.

منابع

- آخوندی، مصطفی (۱۳۹۳). *ساخت مسکن در آموزه‌های دینی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی؛ زمزم هدایت.
- آسایش، حسین (۱۳۷۴). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
- بسحاق، محمدرضا؛ تقدیسی، احمد؛ آقامرایی، علی (۱۳۹۳). "بررسی و ارزیابی پایداری مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی شهرستان پلدختر)". *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و نهم، ش ۳، پیاپی ۱۱۴ (پاییز): ۱۲۹-۱۴۶.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۶). "طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://www.bonyadmaskan.ir/Pages/PayamMaskan.aspx> [1396/5/20]

- پورطاهری، مهدی؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادق‌لو، طاهره (۱۳۸۹). "سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی؛ با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل فازی". *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره اول، ش ۱ (بهار): ۱-۳۱.
- جمعه‌پور، محمود؛ رشنودی، بهزاد (۱۳۹۰). "بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی". *فصلنامه توسعه روستایی*، دوره سوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۵-۶۴.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). "شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران". *هنرهای زیبا*، دوره بیست و دوم، ش ۲۲ (تابستان): ۴۳-۵۲.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۳). "الزامات اجتماعی-اقتصادی در ساخت‌وساز مسکن روستایی". در: مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، ج ۱. گردآورنده اکبر فرخنده. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی: ۵۱۱-۵۳۷.
- صادقی، حسین؛ قنبری، علی (۱۳۸۸). *تحولات اقتصادی ایران، ج ۲*. تهران: سمت.
- عینالی، جمشید؛ چراغی، مهدی؛ رومیانی، احمد (۱۳۹۳). "ارزیابی نقش اعتبارات مسکن در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان بزینهرود خدابنده، استان زنجان)". *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره سی و سوم، ش ۱۴۶ (تابستان): ۷۷-۹۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- قاسمی، علی؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله (۱۳۹۱). "اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی". *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره سی و یکم، ش ۱۳۹ (پاییز): ۶۷-۸۴.
- لطفی، حیدر؛ احمدی، علی؛ حسن‌زاده فرجود، داوود (۱۳۸۹). "شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران". *فصلنامه جغرافیایی‌آمایش*، ش ۷ (زمستان): ۱۰۵-۱۲۸.
- محمدی یگانه، بهروز، و دیگران (۱۳۹۱). "نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود

کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان، دهستان معجزات). "فصلنامه مسکن و روستا، دوره سی و دوم، ش ۱۴۱ (بهار): ۹۹-۱۰۸.

— قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶). دفتر برنامه و بودجه. [پیوسته] قابل دسترس در:

http://bodjeh.areeo.ac.ir/_bodjeh/documents/6th_agenda_full.pdf [1396/5/20]

— مخبر، عباس (۱۳۶۳). *ابعاد اجتماعی مسکن*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

— مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۶). "توسعه روستایی مبتنی بر تداوم پایداری کشاورزی". *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و ششم، ش ۵۸ (تابستان): ۸۴-۱۰۱.

— نراقی، یوسف (۱۳۷۰). *توسعه و کشورهای توسعه نیافته*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Bourne, I. S. (1981). *A Gography of Housing*. New York: Prentice-Hall.
- Cullingworth, B. (1997). *Planning in the USA: Policies, Issues and Processes*. New York: Routledge.
- Cater, J.; Trevor, J. (1989). *Social Geography*. London: Routledge.
- Charles, Li (2007). "The search for policies to support sustainable housing". *Journal of Habitant International*, Vol. 31, No. 1: 143-149.
- Huchzermeyer, Marie (2001). "Housing for the poor? Negotiated housing policy in South Africa". *Journal of Habitat International*, Vol. 3, No. 25: 303-331.
- Plagerson, Sophie; Harpham, Trudy; Mathee, Angela (2010). "Poor housing, good health: A comparison of formal and informal housing in Johannesburg, South Africa". *Swiss School of Public Health*, Vol. 56, NO. 6:1-9.

- Sengupta, R.; Aubuchon, C. P. (2008). "The microfinance revolution: An overview". *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, Vol. 90, No. 1: 9-30.
- Short, John Rennie (2006). *Urban Theory Acritical Assessment*. NewYork: Routledge.
- Vicent, I. O.; Josceph, E. O. (2001). "Housing policy in Nigeria: towards enablement of private housing development". *Habitat International*. Vol. 25, No. 4: 473-492.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی